



نگاهی به تضارب اندیشه و عمل علیه زنان در گروه‌های تروریستی در مخالفت با قوانین و کنوانسیون‌های بین‌المللی (با تأکید بر عملکرد پژاک منشعب از پ.ک.ک)

سیدمحمد رضا موسوی فرد^۱، زهرا شمسی زاد^۲، علیرضا دودانگه^{۳*}

۱- دکترای تخصصی حقوق جزا و علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، پژوهشگر، عضو هیئت علمی گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی،

دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان، ایران

۲- دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سمنان، ایران

۳- دانشجوی مقطع دکترای تخصصی حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سمنان، ایران

*criminologyislamic2017@gmail.com

ارسال: آذر ماه ۹۸ پذیرش: بهمن ماه ۹۸

چکیده

رویکردهای گروه‌های تروریستی برای رسیدن به اهداف سیاسی و راهبردی خود متفاوت و متنوع است از این رهگذر این گروه‌ها از تاکتیک‌ها متنوعی نیز بهره می‌گیرند یکی از این تاکتیک‌ها بهره‌گیری از احساسات زنان و دختران جامعه با استفاده از شعارهای رنگ و لعاب‌داری است که صرفاً استفاده ابزاری (از زنان و دختران) جهت رسیدن به اهداف و اغراض گروه ملاک است و در عمل خلاف شعارهای اعلامی خود دست به اقداماتی می‌زنند که نه تنها حقوق زنان و دختران را پوشش نمی‌دهد بلکه برعکس خود این گروه‌ها را به بزرگ‌ترین ناقضان حقوق زنان تبدیل کرده است، متأسفانه امروزه در عصر ارتباطات نیز مجدداً شاهد جولان چنین اقدامات ضد شعاری هستیم که می‌توان این شعار را محقق سازد زنان قربانیان مستقیم و غیرمستقیم فریب‌خورده این اقدامات و اهداف تروریستی هستند. هرچند که این گروه‌ها فرقه‌اند و به هیچ‌از نمایندگی قومیت خاصی را ندارند.

کلمات کلیدی: گروه‌های تروریستی - کنوانسیون‌های بین‌المللی - اقدامات تروریستی - خشونت - افراطی‌گری - گروه پژاک - پ.ک.ک.

۱- مقدمه

منطقه خاورمیانه به دلیل تنوع قومی و موقعیت ویژه سوق‌الجیشی که دارد همواره محملی جهت اتفاقات خاص در جهان معاصر بوده است یکی از مسائلی که همواره در این منطقه در چند سال اخیر بیشتر نمود پیدا کرده است بحث تنوع گروه‌های تروریستی است که در این منطقه وجود دارد که هریک براساس مشرب خاصی رویکردها و اقدامات خود را توجیه می‌کنند که ادامه بحث در بخش رویکردها اشاره مختصری بدان خواهد شد علی‌ایحال در بازگشت به بحث اصلی باید گفت: برخی از گروه‌های قومیت‌گرا هستند که در لوای شعارهای زیننده ناسیونالیستی رویکردها و اقدامات تروریستی را در دستور کار خود قرار داده‌اند که در عمل کاملاً مخالف حداقل آزادی‌های حقوق بشری است که در قوانین مدون بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است، از جمله می‌توان به رویکردهای گروه پ.ک.ک و دیگر منشعبات آن اشاره کرد که برای اعضای خود کمترین حقوق انسانی را قائل می‌شود یکی از این مسائل مربوط به حقوق زنان عضو این گروه‌ها است که علیرغم شعارهایی که برای جذب زنان و دختران جوان در جهت جذب شدن بدین تشکیلات

ارائه داده‌اند ولی در عمل تفاوت بسیار زیادی با شعارها دارد که در این مقاله سعی خواهد شد بدین سؤال راهبردی پاسخ دهیم که: تضارت آراء از اندیشه تا عمل در گروه‌های تروریستی پ.ک.ک و منشعبات آن چگونه قابل تجزیه و تحلیل است؟ در این وادی سعی خواهد شد بدون هیچ گونه پیش داوری و قرض ورزی صرفاً براساس مدارک و مستندات و واقعیت‌های موجود بدین سؤال پاسخ منطقی مستند و مستدل علمی دهیم. آنچه در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته است این مسئله است که نقض حقوق زنان در این تشکیلات براساس رویکردهای حقوق بین‌المللی و کنوانسیون‌های مربوطه در این زمینه موردسنجش و بررسی قرار گیرد. فلذا می‌توان گفت در یک پیش‌فرض در پاسخ به سؤال مطروحه این مسئله بیشتر نمود دارد که اختلاف بنیادین و راهبردی در شعارها و عملکردها در این گروه‌ها محسوس است، نه تنها حداقل حقوق زنان در این خصوص رعایت نمی‌شود برخی از مواقع هیچ حقوقی از زنان نیز رعایت نمی‌شود. در ادامه بحث در خصوص ساختار ترسیمی برای مقاله حاضر از رویکرد مباحث علمی باید گفت: ضمن اینکه برخی رویکردهای فکری و مبانی نظری و پیشینه تحقیقاتی در این خصوص مورد بحث قرار می‌گیرد به پیشینه تاریخی این گروه‌ها و همچنین برخی از آراء آن‌ها در این خصوص الهایه اقدامات تروریستی آن‌ها در نقض حقوق زنان و مخالفت با حقوق بین‌المللی پرداخته شده است و در نهایت برآیند مقاله به‌عنوان خروجی آن در پاسخ به سؤال اصلی آورده شده است. آنچه باید در این خصوص مورد توجه مخاطبان گرامی قرار گیرد این مسئله است اقدامات یک گروه محدود چه از منظر دینی چه قومیتی قابل تعمیم به کلیت نیست و محدود بدان گروه و تشکیلات خاص است.

۲- رویکردها فکری و مبانی نظری پژوهش

بدون تردید یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های جهان معاصر در مقوله امنیت پایدار که منجر به صلح فراگیر گردد مسئله گروه‌های تروریستی و خشونت‌ها و افراطی‌گری‌های آن‌هاست. این گروه‌ها هر یک بنا به مشرب فکری تعریف شده‌ای که دارند مرتکب می‌شوند و باعث می‌شوند صلح پایدار جهانی به مخاطره افتد. هرچند که در این خصوص قوانین بین‌المللی و کنوانسیون‌های در سطح بین‌المللی وجود دارد که این دست از اقدامات را بعضاً جرم انگاری کرده است ولی به علت برتری محسوس منافع سیاسی دولت‌ها (در مدل وستفالیایی آن) که به ادبیاتی دیگر همان برتری سیاست بر حقوق است فاقد ضمانت اجرایی لازم برای حفظ نظم عمومی نظام بین‌المللی و ابعاد مختلف آن همانند امنیت منطقه‌ای و امثالهم است. آنچه محرز و مسلم است مشرب فکری و ایدئولوژیکی که این گروه‌ها تروریستی دارند در ذات عملکرد آن‌ها را نیز مشخص می‌کند به‌عنوان مثال برخی از مواقع در تقسیم‌بندی گروه‌های تروریستی برخی از آن‌ها با پرچم دین قد علم می‌کنند و با این حربه به اقدامات تروریستی به اصطلاح خودشان مشروعیت (همانند داعش و جبهه النصره و...) می‌دهند.^۱ گاهی برخی از گروه‌های تروریستی خود را نماینده نژاد و فرهنگ خاص معرفی می‌کنند که برای دولت سازی و به اصطلاح مصطلح آن‌ها به نمایندگی از یک قوم یا نژاد خاص روی به اقدامات تروریستی می‌آورند که گروه‌های همانند پژاک و پ.ک.ک از این دست از گروه‌ها می‌باشند که خود را به‌عنوان نماینده اصیل قومیت خاص مطرح می‌کنند. در این مقاله سعی خواهد شد از منظر رویکردهای پژوهشی و با نگاهی توصیفی و تحلیلی و درعین حال تطبیقی (متأثر از رویکردهای حقوق کیفری بین‌المللی و علوم سیاسی

^۱ ISIS (The Islamic State of Iraq and Al-Sham)

۱-۱- دولت اسلامی عراق و شام یا به‌طور مخفف (داعش) این گروه این نام را وجه تمسخرآمیز و توأم با تحقیری می‌داند که از سوی دشمنان آن در رسانه‌ها عنوان شده است (اشاره به نسخه سازمان‌دهی شده القاعده عراق که توسط ابومصعب الزرقاوی در دهه نخست قرن جاری پایه‌گذاری شده بود، دارد که سپس با پیشرویهایی خود در سوریه و عراق و اعلام خلافت سرکرده این گروه موسوم به ابوبکر البغدادی پس از تسخیر موصل به دولت اسلامی که مرزهای فرضی خود را تمام گستره جهان اسلام در قالب خلافت اسلامی می‌داند، موسوم شده است. جهت مطالعه بیشتر در این خصوص: انتصار، نادر (۱۳۹۳)؛ نقش نقشبندیه در بحران عراق؛ ماهنامه همشهری ماه، شماره یکصد و بیست و دوم، ص ۱۲۳. سازمان‌ها تروریستی مذهبی در حال افزایش هستند قبل از دهه ۱۹۹۰ فقط ۳ درصد سازمان‌ها تروریستی مذهبی بودند، بعد از سال ۱۹۹۰ به بعد بیش از ۴۳ درصد از سازمان‌های تروریستی رنگ و لعاب مذهبی دارند در ۱۵ سال آینده ۴۳ درصد افزایش یافته است [۱].

۱-۲- داعش پس از انشقاق از القاعده در فوریه، ۲۰۱۴ در ماه ژوئن شهر موصل را تسخیر کرد و امیر داعش ابوبکر البغدادی احیای یک خلافت را اعلام کرد و سپس داعش شهرت خود را مسلماً به‌عنوان خطرناک‌ترین و قطعاً ثروتمندترین گروه تروریستی جهادی تحکیم کرد [۲].

و روابط بین‌المللی) عملکرد این گروه‌های در مخالفت صریح با قوانین و کنوانسیون‌های بین‌المللی در زمینه تروریسم مورد بحث و بررسی مختصر قرار گیرد. هرچند این نقض‌های آشکار در قالب و مصادیق مختلف می‌تواند رخ دهد همانند نقض حقوق زنان و سوءاستفاده از آن‌ها و ... متبلور شود که در قالب پژوهش حاضر نگاهی گذرا به آن خواهیم داشت. سوال اصلی که در این ماله به دنبال آن هستیم این است که آیا شعارهای برابری و آزادی زنان در اندیشه و عمل گروه‌های تجزیه طلبی همانند پ.ک.ک و پژاک یک استراتژی نهادینه شده است یا یک تاکتیک فریبکارانه در جهت بکارگیری زنان با اهداف خاص است؟ به سبک آثار علمی پژوهش حاضر از منظر قلمرو زمان و مکان به کشورهای خاورمیانه که با این گروه‌ها مواجهه مستقیم دارند همانند ترکیه، سوریه و عراق و جمهوری اسلامی ایران محدود و محصور است و در پی شناختی درست و تطبیقی در نقض قواعد آمر بین‌المللی در گذر اقدامات تروریستی گروه‌های فوق‌الذکر است.

آنچه در این کار تحقیقاتی می‌تواند به‌عنوان مبانی نظری ملاک صحیح‌تر و نزدیک‌تر به واقع تر باشد سطح تحلیلی تلفیقی منبعث از رویکردهای سیاسی و حقوقی است که می‌تواند به‌عنوان مبانی نظری مورد توجه قرار گیرد و در مطالعات میان‌رشته‌ای این‌یک اصل و ضرورت است که باید رعایت شود. علی‌ایحال از منظر آموزه‌های سیاسی امنیت یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین نیازهای بشری است که مفهوم آن با هستی و وجود انسان پیوندی ناگسستگی دارد. انسان برای بقا در نظام هستی ناگزیر است نیازهای خود را برآورده سازد و تأمین این نیازها جز در سایه امنیت صورت نمی‌گیرد امروز این مقوله به قدری حائز اهمیت است که اجرای برنامه‌های نوسازی و بازسازی، شکوفایی اقتصادی کشور، سرمایه‌گذاری، طرح‌ریزی برای توسعه، استفاده بهینه از دستاوردهای علمی و تکنولوژیکی، وصول به آرمان‌های والای جامعه و هرگونه فعالیتی که نیاز به زمینه آرام و مطمئن در سطوح مختلف داشته باشد، همه در گرو امنیت است. درواقع، امنیت در زمره اهداف، منافع، ارزش‌های اصولی و پایدار جامعه است [۳]. یکی نویسندگان حوزه امنیت نیز معتقد است مفهوم امنیت مرکب از چندین ارزش ملی به شرح زیر است: پاسداری از بقای سیاسی و سرزمینی کشور، تضمین بقای ارگانیک (فیزیکی و جمعی) مردم، ایجاد شرایط لازم برای رفاه اقتصادی، تأمین و حفظ هماهنگی میان اقوام درون کشور است [۴]. فعالیت‌های تروریستی با ایجاد ناامنی و احساس ناامنی عمومی اقتدار دولت را در اذهان عمومی خدشه‌دار می‌سازد و در مقابل، گروه و سازمان انجام دهنده این عملیات را بازیگری مهم جلوه می‌دهد. تروریسم می‌تواند با ایجاد ناامنی و رعب و وحشت ضمن کاستن از حمایت شهروندان و با وارد آوردن خسارات جانی و عملیات متعدد تروریستی دولت را وادار به پذیرش خواسته‌های غیرقانونی و نامشروع خود کند. عملیات تروریستی با ناامن نشان دادن یک کشور یا منطقه باعث فرار سرمایه‌های اقتصادی و انسانی و همچنین جلوگیری از سرمایه‌گذاری می‌شود. در ادامه خواهیم دید که پژاک چگونه با انجام عملیات تروریستی زمینه را برای سایر فعالیت‌های خود به‌منظور رسیدن به مقاصد و اهدافش میسر ساخته و از طریق این فعالیت‌ها امنیت مناطقی از کشور را به مخاطره انداخته است. پس از منظر آموزه‌های سیاسی باید بدین نکته تأکید کرد این گروه‌های تروریستی در وهله اول امنیت مردم را در تمامی ابعاد آن مورد هدف قرار داده‌اند. وقتی این امنیت خدشه‌دار شود منجر به خشونت و بروز و ظهور اقدامات تروریستی می‌شود که در اینجا به رویکردهای حقوقی وارد می‌شویم که به‌عنوان مبانی نظری جرم‌انگاری و مجازات و مسببان می‌پردازد که به مکتب عدالت ترمیمی می‌رسیم. قانون نانوشته‌ای داریم که بیشترین هزینه‌های در مخاصمات مسلحانه (همانند میدان تروریسم) را نیز مردم غیرنظامی عادی به‌عنوان قربانیان اصلی تروریسم باید بپردازند. پس حداقل در جهت کاهش آلام و دردهای قربانیان در این میدان نابرابر و پر از ناعدالتی باید به فکر چاره‌ای بود تا نه به‌صورت کامل ولی به‌صورت جزئی آلام این قربانیان واقعی را کاهش، به‌نوعی التیام بخشید برخی آموزه‌های نظری در پی تحقق این مسئله است. از این روست که باید مبانی نظری را جهت جبران خسارت ناشی از اقدامات تروریستی در سطح بین‌المللی مورد شناسایی قرارداد که بتوان از آن طریق تا حدودی احقاق حق نمود. به نظر می‌رسد مبانی نظری مناسب که بتواند به‌نوعی قربانیان تروریسم را در جهت کاهش آلام ناشی از جنایات تروریستی کمک نماید، آموزه‌های جدید «عدالت ترمیمی» البته در بعد بین‌المللی آن است [۵]. در تعاریف ارائه‌شده از عدالت ترمیمی مسئولیت معنوی را نیز به رسمیت شناخته‌اند و اگر یک شاخه مستقل از جنبش عدالت ترمیمی در حوزه قربانیان جرائم بین‌المللی کیفری فعال گردد باید این افراد در مقابل تصمیمات خود پاسخگو باشند. این در حالی است که توجه ویژه عدالت ترمیمی به بزهدیده و نیازهای وی معطوف است و جبران خسارت حداقلی وی از جمله اهداف تعریف‌شده است، البته در

این خصوص برخی از اسناد بین‌المللی^۱ وجود دارد که پرداخت غرامت به بزه دیدگان جرم‌های خشونت‌بار یا لزوم پرداخت غرامت به بزه‌دیدگان سوءاستفاده از قدرت تاکید دارد. (دولت به علت قصور در نگهداری بزه‌کار به معنای جلوگیری از ایراد ضرر توسط وی دارد یا به علت قصور یا تقصیری که در حمایت از بزه‌دیده در قبال عمل مجرمانه دارد مسئول جبران خسارت بزه‌دیده است [۵]). در اسناد بین‌المللی در خصوص پیشرفت جدید عدالت ترمیمی در قلمرو بین‌المللی اسنادی وجود دارد از جمله در سال ۱۹۹۹ شورای اقتصادی اجتماعی سازمان ملل متحد قطعنامه‌ای را تصویب کرد که به موجب آن دولت‌های عضو به میانجیگری در درگیری‌ها و عدالت ترمیمی در موارد مناسب تشویق نمود، در این قطعنامه از کمیسیون پیشگیری از جرم عدالت کیفری خواسته شده است تا پیشرفت‌های این اصول راهبردی را در رابطه با استفاده از برنامه‌های ترمیمی به‌دقت مدنظر قرار دهد دهمین کنگره پنج سالانه پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمان سازمان ملل متحد در ماه «می» سال ۲۰۰۰ در وین برگزار شد پس از آن کمیسیون پیشگیری از جرم و عدالت کیفری سازمان ملل بلافاصله پس از انجام کنگره بین‌المللی تشکیل جلسه داد، قطعنامه‌ای را به تصویب رساند که در آن از کشورهای عضو خواست نظر خود را در مورد پیش‌نویس طرح عناصر اصول اساسی استفاده از برنامه عدالت ترمیمی را ارائه دهند. در سال ۲۰۰۰ به شورای اقتصادی اجتماعی عرضه گردید [۵]. پس در نتیجه از منظر آموزه‌های حقوق بین‌المللی کیفری با توجه به اینکه قربانیان اصلی اقدامات تروریستی گروه‌هایی همانند پژاک و امثالهم مردم عادی و بی‌گناه اند که قربانی اصلی محسوب می‌شوند عدالت ترمیمی و آموزه‌های آن بهترین مبانی نظری جهت تحلیل این وادی پژوهشی محسوب می‌شود.

۲- پیشینه تاریخی و نحوه شکل‌گیری

پژاک شاخه ایرانی پ.ک.ک (حزب کارگران کردستان ترکیه) است؛ حزبی که پایه‌های اصلی آن توسط «عبدالله اوجلان»، «کسیره بیلدریم»، «شاهین دونمز» و تعداد دیگری از دانشجویان کرد در سال ۱۹۷۴ توسط دانشجویان کرد بنانهاده شد تا اینکه در سال ۱۹۷۸ در استان کردنشین «دیار بکر» در جنوب شرق ترکیه به‌طور رسمی موجودیت آن را اعلام کردند. عبدالله... اوجلان متولد سال ۱۹۴۷ روستای «لیجه» منطقه «دیاربکر» ترکیه است. او از پدر خود به نفرت یاد کرده و با طغیان مقابل خانواده خود، از روستای محل سکونتشان فرار می‌کند و در سال آخر دبیرستان با پیدا کردن گرایشات کمونیستی، خود را یک کمونیست می‌داند به‌طوری که به فردی ضد دین تبدیل شده و از عقاید دینی با نفرت یاد می‌کند و حتی آن‌ها را عامل عقب‌ماندگی جامعه می‌داند. بنابر این با پیدا شدن افکار کمونیستی در عبدالله... اوجلان و وصل شدن به سرویس‌های اطلاعاتی کشور اتحاد جماهیر شوروی سابق، وی در ۲۷ نوامبر سال ۱۹۷۸ میلادی حزب پ.ک.ک را با ایدئولوژی مارکسیست لنینیست و همچنین با هدف ایجاد کردستان مستقل یا همان «کردستان بزرگ» در روستای زادگاه خود تشکیل داد. بدین ترتیب «پژاک» در ۴ آوریل ۲۰۰۳ روز تولد عبدالله اوجلان رهبر گروهک پ.ک.ک در ایران، «چاره سری» در عراق، «جنبش ملی دموکراتیک» در ترکیه و حزب «اتحاد دموکراتیک» در سوریه، راه‌اندازی شد و مجموعه افراد تحت امر خود را هم با عنوان (HPG) «ارتش رهایی‌بخش خلق» سازمان‌دهی کرد که افراد پژاک در این ارتش «گریلا» خوانده می‌شود. شاخه ایرانی پ.ک.ک؛ که پژاک نامیده می‌شود و بنا بر ادعای منابع آمریکایی شمار اعضای آن‌ها در حدود ۳ هزار نفر هستند به‌صورت کامل به کردی «پارتی ژبانی نازادی کوردستان» یعنی «حزب حیات آزاد کردستان» خوانده می‌شود و فعالیت آن‌ها هم بیشتر در مرز ایران، عراق و ترکیه و منطقه «قلعه رش» در آذربایجان غربی، منطقه اورامانات از توابع کرمانشاه و «ایوان» از توابع ایلام و مریوان و منطقه «چهل چشمه» از توابع کردستان و بخش شرقی کوهستان «قندیل» در کردستان عراق است که تحت هدایت و رهبری حزب پ.ک.ک فعالیت می‌کند. جمیل پایک، از بنیانگذاران و رهبران پ.ک.ک، در سال ۲۰۰۶ اعلام کرد: پک ک به پژاک شکل داده است و از آن حمایت می‌کند [۶]. بدین کیفیت به ادبیات دیگر پژاک گروهکی است که به‌طور رسمی از سال ۱۳۸۲ با جدایی از پ.ک.ک در منطقه به‌زعم خودشان، کردستان شرقی و در ارتفاعات قندیل تأسیس شد و شروع به جمع‌آوری نیرو و تجهیزات در جهت ایجاد آمادگی برای رسیدن به اهداف خود در این منطقه کرد. اهداف پژاک در واقع براندازی از طریق فعالیت مسلحانه است.

^۱ جهت مطالعه بیشتر رجوع کنید به: «کنوانسیون اروپایی پرداخت غرامت در جرائم خشونت‌بار» مصوب ۲۴ دسامبر ۱۹۸۳ در استراسبورگ که به تصویب شورای اروپا رسیده است و بالاخره اعلامیه‌ی بنیادین عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت که به سال ۱۹۸۵ به تصویب سازمان ملل متحد رسیده است که اعلامیه اخیر برخلاف کنوانسیون اروپایی الزام‌آور نیست.

^۲ به نقل از موسوی فرد [۵] اصول اساسی عدالت ترمیمی در سال ۲۰۰۲ طی سند شماره ۰۱/Rev ۰۱/E/CN.15/2002/L.2 به تصویب رسید.

پس از آغاز فعالیت‌های این گروهک در سال ۱۳۸۳ تیم‌های این گروه با ورود به مناطق و روستاهای مرزی ایران با پخش اعلامیه^۴ موجودیت خود را اعلام کردند. اولین کنگره این گروهک در تاریخ ۶ فروردین ۱۳۸۳ با شرکت ۱۵۵ نفر از نمایندگان مراکز مختلف پژاک برگزار شد. در این کنگره رحمان حاج احمدی به ریاست حزب انتخاب گردید. طبق اساسنامه پژاک، سازمان این گروه متشکل از: کنگره، ریاست حزب، کوردیناسیون (شورای رهبری)، مجلس حزب و نهادهای وابسته است. نهادهای وابسته نیز شامل: هرکه، کمیته جوانان، کمیته اقتصادی، کمیته سیاسی، مرکز ایدئولوژیک، اتحادیه زنان شرق کردستان و کمیته انضباطی است. اقدامات و فعالیت‌های نظامی پژاک: شاخه نظامی پژاک در قالب نیروی شرق کردستان (HRK) مأمور پشتیبانی نظامی از فعالیت‌های سیاسی پژاک در مناطق کردنشین است. نیروهای (هرکه) به دو شاخه نظامی زنان شرق کردستان و واحدهای نظامی تقسیم می‌شوند. شاخه نظامی زنان شرق کردستان شامل سه تابور (معادل گردان) و واحدهای نظامی شامل ۶ تابور هستند. هر تابور نیز متشکل از دو بلوک (معادل گروهان) دختران و پسران است و هر بلوک نیز خود دارای دو قسم است. عمده فعالیت‌های پژاک در منطقه شمال غرب در حوزه نظامی که به وسیله «هرکه» به انجام می‌رسد، شامل این موارد می‌شود: حمله به مقرهای نظامی و پاسگاه‌های مرزی، اجرای کمین، عملیات ترور، مین‌گذاری و استفاده از تله‌های انفجاری، اعزام تیم‌های تشکیلاتی و نظامی به منطقه و انجام فعالیت‌های حزبی، دستگیری، تهدید و ترور کرده‌اند [۷]. عملیات روانی پژاک^۱: از آنجا که هدف اصلی در جنگ شورشگری، براندازی حکومت و استقرار سیستم ایده‌آل به جای آن است، عنصر مردم نقش محوری پیدا می‌کند. طرف شورشی نیز که هدف براندازی حکومت را تعقیب می‌کند بیشترین تلاش خود را متوجه حذف پایه‌های مردمی قدرت دولت و بی‌تفاوت کردن مردم پشتیبان آن و سپس جلب حمایت آنان می‌نماید. شورشگر برای کسب اطلاعات، عضوگیری برای نیروی رزمنده و تأمین نیازمندی‌های لجستیکی و منابع مالی به کمک‌های مردمی وابسته است [۸]. در این راستا پژاک نیز در جهت رسیدن به اهداف خود به دلیل نداشتن نیرو و امکانات قوی در جهت مقابله با دولت از روش‌ها و ابزارهای فرهنگی و روانی در جهت جذب مردم و تأثیرگذاری بر دولت استفاده می‌کند و تلاش‌های فرهنگی و عملیات روانی بخش مهمی از اقدامات وی را شامل می‌شود. پژاک تلاش بی‌وقفه‌ای را برای بهره‌برداری از وسایل ارتباط جمعی از قبیل شبکه‌های ماهواره‌ای، رادیو و اینترنت در جهت نفوذ در افکار جامعه ایران به‌ویژه کردستان آغاز نموده است. از دلایل مهم قدرت یابی پژاک استفاده از تمام امکانات پ.ک.ک بود. پژاک از حمایت مطبوعاتی قدرتمندی همانند «روژ تیوی» برخوردار است که هیچکدام از گروه‌ها را بدان راه نیست [۹]. اصولاً پژاک اقدامات خود را در چند سطح به مورد اجرا گذارده و می‌گذارد. در گام اول، به دنبال تأثیرگذاری بر جامعه در جهت متقاعدسازی آن به اینکه نظام حاکم نظام مشروع و کارایی نیست و با برجسته کردن نقاط ضعف حاکمیت در بین مردم به دنبال تخریب وجه دولت در بین افکار عمومی داخلی است. از سوی دیگر به دنبال تأثیرگذاری بر افکار عمومی در سطح بین‌الملل در جهت معرفی خود به‌عنوان یک حزب طرفدار دموکراسی و آزادی و از سوی دیگر معرفی نظام به‌عنوان نظام نامشروع که به دنبال نقض حقوق بشر و حقوق اقلیت‌هاست [۱۰].

۳- مروری مختصر بر برخی اندیشه‌های رهبران (ضدیت نمادین)

پس با نگاهی کاملاً علمی جهت درک ملموس‌تر از چنین اندیشه‌هایی باید به مصادیق آن اشاره کرد، در اینجا به اندیشه‌های اوجلان در خصوص زن و خانواده می‌پردازیم که بعداً مبنای خشونت‌ها و افراطی‌گرایی‌های در این زمینه می‌شود: وی درباره زن چنین اظهارنظر می‌کند: «مهریه ارزش او را تعیین می‌کند و بهای زن باقیمت "پول" سنجیده می‌شود». این امر بدون هیچ‌گونه قضاوتی نفی یا اثباتی در واقعیت چنین نیست هرچند که بر آن نیز اشکالاتی وارد باشد. بالاخره دیدگاهی دیگری که در این حوزه ایشان مطرح می‌نمایند از جمله اینکه: «سهم موسی در سنت حضرت ابراهیم این است که زن را به‌طور حتمی زیر سلطه خود قرار داده است، در نظر حضرت داوود و سلیمان زن تنها وسیله عیش و خوش‌گذرانی یک‌طرفه است و بس، در پادشاهی عبرانی در قبل و بعد از دوره سال‌های ۱۰۰۰

^۱ یکی از اندیشمندان غربی امنیت روانی را چنین تعریف کرده است: امنیت روانی را رهایی نسبی از تهدیدهای زیان‌بخش نامیده است. بوزان، باری (۱۹۸۳)؛ مردم، دولت‌ها و ترس: معضل امنیت ملی در روابط بین‌الملل؛ بی‌نا، تهران، ص ۲۲ یکی از مفاهیم مهم در بهداشت و سلامت روان، مفهوم «امنیت روانی» است. اگر فردی احساس امنیت روانی نکند، زندگی برای او بی‌معنا خواهد بود و سلامت روانی نیز برقرار نخواهد شد. امنیت روانی؛ یعنی داشتن روح و روانی آرام و به‌دوراز ترس است. بنابراین در تعریف عملیاتی آمده است: آرامش ذهنی و عدم ترس و نگرانی به‌عنوان امنیت روانی تعریف می‌شود.

ق.م شاهد حضور فرهنگ گسترده حرم سرا در زمان داوود و سلیمان هستیم، در بین چندین هزار پیامبر حتی پیامبر نیز وجود ندارد، روابط میان ابراهیم با سارا و هاجر بیانگر تأیید و تصویب برتری مرد نسبت به زن از طرف دین است. پدرسالاری کاملاً مستقل شده است. ازدواج با چندین زن روا دانسته می شود. با اینکه برای هر کاری دستمزدی در نظر گرفته می شود اما حاملگی، بزرگ کردن بچه، و همه نوع کارهای خانه بدون دست مزد است، برای عمل جنسی مرد بودن هم دستمزدی ندارد. آنچه در تحلیل این نظریات به صورت مختصر می توان گفت این است که با نگاهی اولیه بدین اظهارنظرها می بینیم که به نفع بانوان و بر ضدیت دین در نفی زن صحبت شده است ولی وقتی به ماهیت برخی از شعارها و اندیشه ها پی بریم به رنگ لعابی می رسیم که اهداف سیاسی به دنبال دارد و امر دیگری که این فرضیه را در حقوق سیاسی تأیید می کند عملکرد این دست از گروه ها با قشر زنان است که در ماهیت بردگی نوین است خلاف شعارهای موجودی است که براساس آن موجودیت و عملکرد خود را می خواهند مشروعیت ببخشند، این امر در اصل مبنای فرضیه خیانت سیاسی و خدمت به دیگران است که با چنین اندیشه های به اصطلاح ایشان مدرنی ریل گذاری و رنگ لعاب می گیرد.

۴- گذر از اندیشه های نمادین و اقدامات عملی این گروه ها ضد زنان

در برخی از گزارشات رسمی منعکس شده در خبرگزاری ها آمده است: عناصر گروه تروریستی و تجزیه طلب در ادامه اقدامات غیرانسانی خود، نوجوانان و کودکانی که هنوز به سن بلوغ نرسیده اند را به دام انداخته و مورد آزار و اذیت جنسی قرار می دهند. آنچه روشن است، عناصر این گروه تروریستی بدون توجه به مشکلات روان شناختی که به ویژه در دوره بلوغ و نوجوانی بروز می کند، وارد عمل شده و از آن ها سوء استفاده می کنند. پ.ک.ک و دیگر شعبات آن به عنوان یک ساختار فاسد نه تنها ارزش های اجتماعی را زیر سؤال می برد بلکه زن و هویت زنان را نیز تحقیر کرده و آن ها را کوچک می شمارد. این موضوع در اعترافات زنان عضو این گروه تروریستی که دستگیر یا تسلیم شده اند نیز به وضوح دیده می شود. «ی.س» در این باره می گوید: برای یک زن، قنبدیل یعنی تجاوز در آنجا زن بازیچه و ابزاری است که به میل آن ها به کار گرفته می شود. قربانیان تجاوز تنها زنان نیستند، در میان آن ها کودکانی که از سوریه ربوده شده اند، نیز به وفور دیده می شود.



شکل ۱- نمونه ای از استفاده های ابزاری از زنان در میان رهبران

«ای.ال» یکی از این زنان است که در اعتراف نامه خود اذعان کرده در کشیک های شبانه مورد آزار و اذیت کلامی و جنسی و حتی تجاوز از سوی یکی از مردان همراهش قرار گرفته است. وی که به میل خود تسلیم نیروهای امنیتی ترکیه شده، در توضیح علت فرار خود از این گروه تأکید می کند که این موارد تنها به محدود به او نبوده و برای سایر زنان و کودکان نیز به کرات اتفاق می افتد. «بی.بی» یکی دیگر از زنانی است که از این گروه تروریستی گریخته است. او نیز اعتراف می کند که بالغ بر ۳۰ دختر و پسر نوجوان در سنین ۹ الی ۱۴ ساله در نقطه ای نزدیک به منطقه جیلو از توابع زاپ به سر می برند.

A



شکل ۲- نمونه ای از رویکردهای ترویج سرباز کودک در دختران خردسال

همواره می شنیدیم که برخی از دخترچه‌های باردار را به بیمارستان‌های منطقه منتقل و سقط جنین می کنند. «ام.تی» یکی دیگر از زنان عضو تشکیلات می گوید که مقامات ارشد خود خوانده این گروه تروریستی بارها به زنان تحت امر خود تجاوز کرده و مورد آزارهای جنسی قرار داده‌اند اما بر اقدامات آن‌ها به لحاظ موقعیتشان سرپوش گذاشته می شود. «کی.ای» نیز اعتراف می کند که فرماندهان خود خوانده زنان را مورد تجاوز قرار می دهند. قربانیان تجاوز توان مقابله با آن‌ها را ندارند. پس از دیدن این وجه شیطانی مردان گروه تصمیم به فرار گرفتم^۱. هنگامی که فردی آن‌هم در مقام سرکردگی یک فرقه حرفی را بر زبان می آورد بایستی به آن عمل نماید. اوجالان در حالی در نوشته‌های خود از جایگاه زن و ارزش دادن به او بحث می کند که خود در اولین تجربه علنی اش بدرفتاری با یک زن را ثابت نموده است و او کسی نیست جز کسیره ییلدریم با نام مستعار فاطمه که همسر اول اوجالان و از بینان گذاران پ.ک.ک بود^۲. کسره به خاطر بی بندوباری‌های جنسی اوجالان با اعضای دختر پ.ک.ک در دره بقا در لبنان شدیداً از وی انتقاد کرد و حتی در چند مورد بدون کنترل عصبانیت خود دختران سوژه را درملاءعام مورد هجوم فیزیکی قرار داد. وی ناچار شد تا از اوجالان طلاق بگیرد و از همان آغاز کار پ.ک.ک تاکنون در سوئد در سکوت زندگی کند. درباره روابط جنسی اوجالان با دختران عضو پ.ک.ک به صراحت به موارد مستند اشاره می کند. قاچاق دختران. پ.ک.ک و پژاک در حالی درباره ارزش و مقام زن صحبت می کنند [۱۱]. خودشان از بزرگ‌ترین شبکه‌های قاچاق دختران برای گروه‌های مافیایی جهت فیلم‌های غیراخلاقی می‌باشند. سازمان حقوق بشر اروپا و پلیس بین‌الملل بارها در گزارشات خود به موضوع فروش دختران توسط پ.ک.ک و پژاک به گروه‌های مافیایی به ویژه باندهای مافیایی کوزوایی اشاره کرده‌اند.



¹ Look: <https://www.aa.com>. ۲۰۱۸/۱۱/۲۵ به نقل از خبرگزاری آناتولی ترکیه خبر منتشره شده در مورخ

² <https://www.aa.com.tr/en/life/pkk-terrorists-abuse-rape-female-members/1321038>

A

شکل ۳- زندگی در سخت ترین شرایط برای زنان و انواع بهره برداری ها از آنان

کلود کووایی روزنامه‌نگار سوئیسی نیز یک هفته قبل از انتشار گزارش مستند خود براساس مصاحبه با قربانیان این مسئله در رختخواب خود در خانه‌اش توسط مافیای پ.ک.ک و کوزووی کشته شد. ممنوعیت ازدواج: سرکردگان پ.ک.ک و پژاک در حالی ازدواج را برای اعضای خود ممنوع کرده‌اند که خود جهت خلاف آن را می‌پیمایند. عبدالله اوجالان خودش دو بار ازدواج کرده است. عثمان اوجالان برادر او در سن شصت‌سالگی دو بار با دو دختر کمتر از ۲۰ سال ازدواج کرد. یکی از آنها بعداً فرار کرد و بچه‌های خود را رها نمود و دومی هنوز با وی در شهر کویه در کردستان عراق زندگی می‌کند. عبدالرحمن حاجی احمدی سرکرده انتصابی پژاک نیز با یک آلمانی ازدواج نمود اما به خاطر فساد اخلاقی حاجی احمدی زنش از وی طلاق گرفت و تنها دخترش نیز به خاطر فساد اخلاقی حاجی احمدی و به روایتی به خاطر تجاوز حاجی احمدی دست به خودکشی زد و خود را نجات داد [۱۱]. بزرگان گروه تروریستی پ.ک.ک و پژاک که به اسارت گرفته‌شده و یا تسلیم نیروهای امنیتی شده‌اند، اعتراف کرده‌اند که رهبران مرتباً از زنان و دختران جوانی که فریب داده‌اند برای آمدن به اردوگاه‌های آموزشی خود مورد آزار جنسی قرار می‌دهند، درحالی که کسانی که مقاومت می‌کنند یا سعی می‌کنند فرار کنند، بوده‌اند. توسط این گروه‌ها کشته‌شده‌اند یا خودکشی کرده‌اند^۱. زنان زیادی هستند که جدا شده‌اند یا کشته‌شده‌اند، توسط اعضای بلندپایه مورد آزار جنسی زنان قرار می‌گیرد. نیرویی برای جلوگیری از تجاوز به آن‌ها وجود ندارد. این زنان چهره زشت این سازمان را دیده‌اند و سرانجام از این گروه‌ها گریختند [۱۱]. پس می‌توان گفت: فریب دختران و زنان، اعضا فرقه‌های مذکور که بنا به جامعه‌ای سنتی و عقب‌مانده از ترس، شرم و یا آبروی خود هرگز نتوانستند به زیستن عادی‌شان برگردند و درباره تجاوز به خود توسط این گروه‌ها ضد انسان، حرفی بر زبان نمی‌آوردند، تا بتوان واقعیت‌ها را برملا کرد. این فرقه فقط توانسته بعضی از افراد بی‌سواد و کم‌سواد را فریب دهد و پس از شستشوی مغزی، کاری کند که افراد نتوانند به راحتی از آن جدا شوند، یعنی راه بازگشت آنان را به جامعه بست. پژاک که تاکنون افراد غیرنظامی زیادی را ترور کرده است با حرف‌های دهن پرکن، دختران ساده کرد روستایی را فریب داده است. البته آنچه در این استراتژی مهم است این امر است که این گروه‌های تروریستی استفاده ابزاری از جنس زن را به عنوان یک راهبرد اساسی رنگ و لعاب‌دار که بتواند مشروعیت کسب کند برای تحریف و تعریف کرده است به طوری که در برخی از منابع آمده است رهبران آنان می‌گویند: به ظاهر رهایی زنان عمیقاً ریشه در ایدئولوژی آنان دارد. اظهار داشته‌اند " هنگامی که زنان آزاد نباشند، سرزمین نمی‌تواند آزاد باشد". حتی از سلول‌های زندان برای زنان شعارهای آزادی زن و امثالهم توسط رهبران آن‌ها دیکته می‌شود ولی در عمل چیزی دیگری است^۲. آنچه که به عنوان یکی دیگر از تبعیض‌های ظالمانه علیه زنان و دیگر اعضای این فرقه هاست این است که به هیچ وجه پس از عضویت دیگر حق ارتباط گیری با خانواده را ندارند و معمولاً سرنوشت آنها نامعلوم است. آنچه که محرز و مسلم است این بحث می‌باشد که این مباحثی که در اینجا مطرح شد و بخشی از آن به استناد مصاحبه های قربانیان بوده است در راستای اثبات فرضیه مربوطه است که عملکرد این گروه در حوزه زنان نه تنها مطابق حقوق زنان و دختران جوان نیست بلکه در تعارض کامل با آن است.

در شکل ۴ زنان و دیگران قربانیانی که به این فرقه می‌پیوندند دیگر حق دیدار با خانواده ها را ندارند و سرنوشت نامعومی در انتظار آنهاست^۳ نشان داده شده است.

¹ Look at: <https://www.dailysabah.com/investigations/2019/02/20/pkk-terrorists-reveal-leaders-sex-abuse-of-female-recruits-in-confessions-to-turkish-police>

² <https://edition.cnn.com/2019/01/27/kurdish-female-fighters/index.html>

³ تحصن خانواده‌های معترض به ربوده شدن فرزندان‌شان توسط حزب دموکراتیک خلق‌ها جهت الحاق به گروه تروریستی پ.ک.ک مقابل ساختمان این حزب در دیاربکر ادامه دارد و در این راستا ۵ خانواده ایرانی نیز به این مادران پیوستند. فرزندان این خانواده های ایرانی به پژاک (شاخه گروه تروریستی پ.ک.ک در ایران) پیوسته اند. ده نفر از این پنج خانواده ایرانی برای نجات فرزندان خود به تحصن خانواده‌های معترض در دیاربکر ملحق شدند.

A



شکل ۴- زنان و دیگران قربانیانی که به این فرقه می پیوندند دیگر حق دیدار با خانواده ها را ندارند و سرنوشت نامعومی در انتظار آنهاست

۵- حداقل‌های حقوق زنان در قوانین و کنوانسیون‌های بین‌المللی

یکی از برجستگی‌های حقوق بین‌الملل در نیمه‌ی اول قرن حاضر توسعه‌ی فراوان آن در زمینه‌ی حقوق بشر و زنان می‌باشد. از پایان جنگ جهانی دوم یعنی سال ۱۹۴۵ و متعاقب آن تأسیس سازمان ملل متحد که وظیفه‌اش حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و حمایت از حقوق بشر و حق توسعه می‌باشد، تاکنون وضعیت زنان دستاویز بیش از ۲۰ سند حقوقی بین‌المللی بوده که هریک از این اسناد نشان‌دهنده و منعکس‌کننده مشکل خاصی در رابطه با امور زنان می‌باشد. در راستای این موضوع کنوانسیون ۱۹۷۹ محو هرگونه تبعیض علیه زنان سند تدوین بدیع‌ترین تلاش‌های عمده حقوق بین‌الملل برای توسعه‌ی وضع زنان در دنیای کنونی است [۱۲]. هرچند آنچه در این مقررات بین‌المللی جای بسی تأمل است و جای خالی آن احساس می‌شود این مسئله است در بیشتر اسناد حقوق بشری به موضوع خصوصیت حقیقی، فطری و خدادادی زنان و حمایت از نهاد مقدس خانواده و تفاوت کارکردی نهاد خانواده با دیگر نهادهای قراردادی توجه نشده است و اصولاً بر حقوق فردی تأکید شده است. این امر بعدها باعث می‌شود استفاده ابزاری مدرن از زن با شعارهای رنگ لعاب‌دار که شاهد آن بودیم صورت پذیرد، که این امر نقطه فراموش شده حقوق زنان است [۱۳]. مثلاً عدم قاچاق زنان و استثمار آنان به‌عنوان فاحشه در ماده ۶ کنوانسیون نهی گردیده است. این امر وقتی از منظر آموزه‌های حقوقی و انسانی مذموم‌تر جلوه بیشتری دارد که این امورات با فریب و شعارهای فریبنده حمایت از حقوق و آزادی و کرامت زن باشد. پاره‌ای از اصول و حقوق به رسمیت شناخته شده در این کنوانسیون بین‌المللی عبارت‌اند از: جلوگیری از سوءاستفاده از زنان و استثمار آنان، رعایت اصول بهداشتی برای حفظ سلامتی زنان خصوصاً در دوران بارداری و در محیط کار؛ تغذیه مناسب زنان و انجام خدمات رایگان در دوران بارداری و دوران شیردهی نسبت به آنان، حقوق مساوی و یکسان در مورد انتخاب آزادانه همسر و حقوق و تعهدات مشابه در طی دوران زناشویی و... از جمله مقرراتی است که در این کنوانسیون بدان اشاره شده است. ولی متأسفانه در این گروه‌ها با زنان برخلاف این مقررات بین‌المللی رفتار می‌شود و همین امر می‌تواند به‌عنوان مستمسکی باشد که چنین گروه‌هایی را ناقض حقوق بین‌الملل دانست چرا که آنچه محرز و مسلم است در این گروه‌ها ازدواج به‌عنوان حق طبیعی هر زن مردی از آن‌ها سلب شده است و این امر برای زنان با توجه به شرایط خاص روی و جسمانی که در آن قرار دارند به‌نوعی وضعیت را سخت‌تر و پیچیده‌تر کرده است.

۶- زنان قربانیان اقدامات تروریستی

براساس تعریف مجمع عمومی سازمان ملل در اعلامیه رفع خشونت علیه زنان: هرگونه رفتار خشن وابسته به جنسیت که موجب آسیب یا با احتمال آسیب جسمی، جنسی یا روانی مضر و با رنج زنان همراه شود، خشونت علیه زنان می‌باشد. بنابراین کلیه فشارهای جسمی و روحی که در طی عملیات تروریستی بر زنان تحمیل می‌گردد خلاف ضوابط حقوقی است، چه زمانی که آن‌ها در استخدام تروریست‌ها باشند و چه زمانی که قربانی آن‌ها هستند این موضوع به‌عنوان قرائت نهایی کمیسیون به مجمع عمومی رفت و اکنون به‌صورت حقوق عرفی مورد استناد می‌باشد. با عنایت به گزارش‌های کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در مورد تخلف از مقررات حقوق بشر دوستانه؛ زنان

قربانی ترور مصداق بارز نقض حقوق قراردادی و عرفی بشردوستانه بین‌المللی می‌باشند آن‌ها از اشخاص تحت حمایت معاهدات چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل ضمیمه به آن به شمار می‌آیند [۱۴]. همچنین اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری^۱ در بند ۱(ز) از ماده ۷ به صراحت خشونت‌های جنسی را در ردیف جرائم علیه بشریت قرار داده است [۱۵]. حقوق بشردوستانه بین‌المللی به ممنوعیت بردگی و تجاوز جنسی، حاملگی و فحشای اجباری و... نیز اشاره دارد [۱۶]. به گزارش شورای اقتصادی اجتماعی سازمان ملل متحد؛ گروه‌های تروریستی به دفعات مرتکب این جنایات شده‌اند [۱۷]^۲. آثار روحی و روانی برجای مانده از این گونه اقدامات تروریستی بر قربانیان آن مشهود است [۱۸]. (نمونه اسامی دختران عضو پژاک که به خاطر تجاوز جنسی خودکشی کرده‌اند: دونه نودیده (کد زیلان)، شیرین آمود (کد آیتن)، رحیمه یاشار (کد ریخان)، سحر فیلیز (کد سوزدار)، هدیه زنگین (کد بریوان)، سونگول سالمان (کد روزرین)، فاطما بایسال (کد ژیندا)، امینه عثمان (کد آهین) و...). رهبران آنان درباره "ارزش و احترام" به زنان صحبت کرده است در حالی که در فرقه‌اش، زنان و دختران هیچ جایگاهی ندارند و در بسیاری از موارد مورد تجاوز قرار می‌گیرند. پیش‌ازین گزارش‌هایی در مورد فساد اخلاقی رهبران «پ.ک.ک.» و سوءاستفاده آنان از دختران پیوسته به «پ.ک.ک.» منتشر شده بود. در صدر این افراد هم نام عبدالله اوجالان قرار دارد و هرگز پژاک و پ.ک.ک. سعی نکردند که این شبه را روشن کنند و اگر شایعه‌ای بی‌اساس است برای مردم توضیح دهند. ممنوعیت ازدواج در پژاک، اما داشتن روابط نامشروع مخفی، امری رایج است. پ.ک.ک. و پژاک ادعا می‌کنند که اعضای آن نباید ازدواج کنند و یکی از شعارهای اصلی این فرقه توجه خاص به حقوق زنان و احترام به آن می‌باشد اما در عمل چنین نیست. عثمان اوجالان ۶۰ ساله، برادر رهبر پ.ک.ک.، دو بار ازدواج کرد آن‌هم با دو دختر جوان ۱/۳ سن اش (یکی ۲۱ ساله اهل منطقه قطور خوی و دیگری ۲۲ ساله اهل آکره کردستان). البته بدون اینکه روال متداول جامعه را طی کند. رهبر پژاک نیز با یک دختر آلمانی ازدواج کرده است. او مقیم آلمان است و درجایی گرم و نرم ادعای مبارزه برای کرد را دارد در حالی که اعضای سیه‌روز و ساده هم حق ازدواج ندارند، از سوءتغذیه رنج می‌برند و حق بازگشت هم ندارند. روزنامه «ملیت»، نوشت که عثمان اوجالان ۲/۵ کیلو طلا به زن جدیدش داد و هزینه ازدواجش نیز ۵۲ هزار دلار بوده است [۱۹].

۷- برخی قوانین و مقررات فرقه ای در نقض کنوانسیون های بین‌المللی

۷-۱- معمولاً این فرقه‌ها بیش از هر گروه دیگری مدعی تساوی حقوق زن و مرد است، اما زنان عضو فرقه از ساده‌ترین حقوق خود محروم هستند. قسمت هولناک موضوع اینجاست که فرقه به ممنوعیت ازدواج برای زنان عضو قناعت نمی‌کرد. این فرقه برای از بین بردن هر گونه عطف مادری و یا بازگشت احتمالی زنان به شرایط قبل، در سال‌های استقرار در پادگان اشرف، طی یک سناریوی خوفناک ضد بشری طرح عقیم کردن زنان را پیاده کرد. طبق بند "ه" ماده شانزدهم کنوانسیون حذف کلیه اشکال تبعیض علیه زنان "داشتن حقوق یکسان جهت تصمیم‌گیری آزادانه و مسئولانه در زمینه تعداد فرزندان و فاصله زمانی بارداری و دستیابی به اطلاعات، آموزش و وسائل که آنها را برای اجرای این حقوق قادر می‌سازد." را از حقوق زنان به رسمیت شناخته است.

۷-۲- معمولاً در این گروه‌ها و فرقه‌ها برداشتن رحم زنان بر اساس زور و تحت تعلیمات فرقه‌ای می‌تواند نوعی نقض عضو برای زنانی باشد که قصد دارند بچه دار شوند. نوعی نقض عضو که قابل درمان و جبران نیست. کم نیستند قوانین حقوق بشری که بر سلامت جسمی و روحی زنان تأکید ویژه‌ای دارند. عقیم کردن زنان در تناقض با قوانین حقوق بشری است که سلامت زنان را مورد تأکید قرار می‌دهند. بند ۱ ماده دوازدهم میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل متحد تصریح می‌کند که: دولت‌های عضو این میثاق حق هر فرد را برای دستیابی و برخورداری از بالاترین (وضعیت) سلامت جسمی و روحی، برسمیت می‌شناسند. در واقع ممنوعیت ازدواج و عقیم کردن زنان عملاً تلاش برای انقطاع نسل اعضاء است. در حقیقت این موضوع یک نسل‌کشی است. در حقوق بین‌الملل هر گونه تلاش هدفمند برای جلوگیری از زاد و ولد یک گروه، قبیله یا قوم، مصداق نسل‌کشی است.

^۱ Statute of the International Criminal Court

^۲ اقدامات تروریستی در شرایطی در چارچوب تعریف جنایات علیه بشریت ذیل ماده هفتم اساسنامه ی دیوان قرار می‌گیرد. طبق این دیدگاه، اعمال تروریستی که به اندازه ی کافی گسترده و نظام مند و در راستای پیشبرد سیاست دولتی یا سازمانی باشند، میتواند در قالب تعریف جرائمعلیه بشریت قرار گیرد [۱۷].

۳-۷- فرقه های مذکور خصوصاً در اروپا با ژست های حقوق بشری تلاش می کنند خود را طرفدار حقوق بشر و حقوق زنان معرفی^۱ کنند. آنها خصوصاً در اروپا از مساوات و آزادی زنان حرف می زنند، گروه ها و تشکل های بسیار زیادی بنام زنان ایجاد کرده و در گروه های حقوق بشری فعالیت می کنند و بنام زنان و دفاع از آزادی زنان ایران، کنفرانس ها و همایش های متعددی برگزار می کنند، اما در عمل خود به آنچه می گویند، اعتقاد و التزام عملی ندارند و سابقه شان خلاف ادعاهایشان را نشان می دهد. به عنوان شاهد مثال در برخی از منابع گزارشاتی در مورد انواع شکنجه های مختلف از زنان مخابره شده است.^۱ این در حالی است که بر اساس ماده هفتم کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل متحد مصوبه ۲۶ دسامبر ۱۹۶۶: هیچکس نباید در معرض شکنجه یا رفتار تحقیرآمیز و مجازات غیر انسانی و وحشیانه قرار گیرد. همچنین مطابق بند ح ماده (۳) اعلامیه حذف خشونت علیه زنان مصوبه ۲۳ فوریه ۱۹۹۴ مجمع عمومی سازمان ملل متحد: زنان بطور برابر حق برخورداری و حفظ همه حقوق بشر و آزادی های اساسی در عرصه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و همه عرصه های دیگر را دارند. این حقوق از جمله شامل مورد زیر است: حق اینکه فرد مورد شکنجه یا دیگر مجازاتها یا رفتار خشن، غیر انسانی و تحقیرآمیز واقع نشود.

۴-۷- شاید تصورش دشوار باشد اما واقعیت این است که زنان عضو فرقه معمولاً حق ازدواج ندارند. آنها اگر هم ازدواج کرده باشند می بایست از همسرانشان طلاق بگیرند. در فرقه به آنها گفته می شد که این برای تشکیلات ضروری است. اعتقاد رهبر فرقه بر این است که عشق زنان به همسرانشان سبب ایجاد حائل بین عشق آنها به فرقه و رهبر فرقه خواهد شد و زنان را از انجام وظایفشان در برابر فرقه و رهبران آن باز می دارد. در تشکیلات فرقه رجوی عشق و علاقه، تنها در رابطه فرد با فرقه و رهبران آن معنا پیدا می کند، لذا زنان عضو فرقه باید تنها به رهبری آن عشق بورزند. این نشانه فداکاری و اثبات علاقه مندی به فرقه ارزیابی می شود. این در حالی است که بند ج ماده پنجم میثاق بین المللی حذف تمام اشکال تبعیض نژادی مصوبه ۲۱ دسامبر ۱۹۶۵ حق ازدواج و انتخاب همسر را از حقوق بنیادی هر زن برمی شمارد.

۸- برآیند مقاله پژوهشی حاضر

با سیری در اقدامات گروه های تروریستی همانند پ. ک. ک و زیرشاخه های آن بدین نکته می رسیم که ماهیت این گروه ها نوعاً سیاسی است برای رسیدن به اغراض تعریف شده سیاسی خود باید یکسری تاکتیک های عامه پسند جهت مشروعیت بخشی به اهداف خود و همچنین جذب نیرو داشته باشند تا بتوانند از قبال آن نوعاً ادامه حیات داده و اهداف اصلی خود را دنبال کنند گروه های فوق الذکر نیز از حربه شعارهای فریبنده در خصوص حقوق زنان و امثالهم نهایت استفاده را می کنند در مناطق خاص جامعه هدف خود با استفاده از آداب رسوم حاکم بر آن کاملاً هدفمند چنین شعارهایی سر می دهند و پس از جذب نیرو و یکسری اقدامات ناامن سازی مستقیم و غیرمستقیم نیز باعث فرار سرمایه گذران و عدم توسعه ان مناطق می شوند و این امر را بی کفایتی دولت مرکزی جلوه می دهند. هرچند گروه های همانند پژاک و امثالهم قبل از اینکه به شعارهای فریبنده خود در خصوص زنان و دختران پردازند لازم است یکسری جبهه گیری های منفی در قبال قوانین و ارزش های حاکم بر جامعه در جهت وارونه جلوه دادن پایمال شدن حقوق زنان به نمایش گذارند تا قبول شعارهای به اصطلاح زیبا و رنگ و لعاب دار آنها به راحتی بیشتری پذیرش شود که این فرآیند را به خوبی در مقاله می بینیم تا اینجا صرفاً به اندیشه ها پرداخته ایم. ولی آنچه در عمل می بینیم این است که این گروه ها در عمل خود بیشتر نقض را نسبت به حقوق بانوان دارند و به راحتی آن را پایمال می کنند.

با سیری در مقررات و حقوق بین المللی در مورد حقوق دختران و زنان همانند اینکه موضوع کنوانسیون ۱۹۷۹ محو هرگونه تبعیض علیه زنان سند تدوین بدیع ترین تلاش های عمده حقوق بین الملل برای توسعه ی وضع زنان در دنیای کنونی است، هرگونه تلاشی در جهت تبعیض علیه زنان مخالف قوانین و مقررات جاریه حقوق بین الملل است همانند بند "ه" ماده شانزدهم کنوانسیون حذف کلیه اشکال تبعیض علیه زنان "داشتن حقوق یکسان جهت تصمیم گیری آزادانه و مسئولانه در زمینه تعداد فرزندان و فاصله زمانی بارداری و دستیابی به اطلاعات، آموزش و وسائلی که آنها را برای اجرای این حقوق قادر می سازد." ولی گروه های فوق الذکر

^۱ به نقل از منابع اینترنتی به نقل از خبرگزاری آناتولی ترکیه

در این روند نه تنها چنین حقوقی را برای زنان علیرغم شعارهای خود قائل نیستند بلکه نوعاً با عقیم سازی آنها و شستشوی مغزی در رابطه با این مسائل به خاطر حفظ منافع فرقه ای آنها را از این حداقل حقوق محروم می کنند و صرفاً براساس منافع و لذا بدین شخصی رهبران حتی برقراری مسائل جنسی را که یک نیاز طبیعی برای انسان از جمله زنان محسوب می شود را از آنها گرفته اند. این است که قبل از اینکه زنان در قالب این گروهها مرتکب اقدامات تروریستی شوند خودشان بزرگترین قربانیان داخلی در این گروههای تروریستی محسوب می شوند. در یک نقض آشکار دیگر البته با تفسیر موسع از قوانین کیفری بین المللی از جمله با تاکید بر اساسنامه ICC می توان ادعا داشت: در واقع ممنوعیت ازدواج و عقیم کردن زنان عملاً تلاش برای انقطاع نسل اعضاء است. در حقیقت این موضوع یک نسل کشی است. در حقوق بین الملل هر گونه تلاش هدفمند برای جلوگیری از زاد و ولد یک گروه، قبیله یا قوم، مصداق نسل کشی است. آنچه که امروزه در گروههای تروریستی شاهد آن هستیم بر خلاف آراء و اندیشه هایی که در جذب زنان و دختران یک قومیت خاص دارند می تواند به عنوان یکی دیگر از اقدامات تروریستی و خلاف حقوق بین الملل در این فرقه ها محسوب گردد. به عنوان شاهد مثال دیگر که در این فرآیند می توان بدان استناد کرد این مسئله است که بند ج ماده پنجم میثاق بین المللی حذف تمام اشکال تبعیض نژادی مصوبه ۲۱ دسامبر ۱۹۶۵ حق ازدواج و انتخاب همسر را از حقوق بنیادی هر زن برمی شمارد. در حالی این حداقل حقوق به هیچ در فرقه های مورد نظر برای زنان به رسمیت شناخته نشده است و نه تنها که شناخته نشده است به ادبیات بهتر و صحیح تر هر گونه حتی فکر کردن زنان بدین امر به نوعی آنها را در ضدیت با فرقه مذکور قرار می دهد در نتیجه فرضیه ما اثبات می شود که اختلاف راهبردی در تضارب آراء از اندیشه تا عمل در این گروهها بر خلاف حقوق بین الملل علیه زنان جاری و ساری است.

۹- منابع

- Gurr, Nadine, & Cole, Benjamin (2000), *The New Face of Terrorism: Threats from Weapons of Mass Destruction*. London: I.B. Tauris
- Phillips, A. (2014). "The Islamic State's Challenge to International order", *Australian Journal of International Affairs*, Vol. 68, Iss. 5
- پورموسوی، سیدموسی و دیگران (۱۳۸۹)؛ فعالیتهای تروریستی پژاک و امنیت جمهوری اسلامی ایران؛ فصلنامه علمی پژوهشی آفاق امنیت، سال سوم، شماره نهم، زمستان.
- سایق، یزید (۱۳۷۷)؛ امنیت در کشورهای در حال توسعه؛ رویارویی با سده بیست و یکم؛ ترجمه مصطفی ایمانی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- موسوی فرد، سیدمحمد رضا (۱۳۹۷)؛ مسئولیت کیفری گروههای تروریستی و علل حمایت از آن؛ چاپ اول، بنیاد علمی حقوقی مجد، تهران.
- Service, July 6/2003. urhan, eziz (2005), *ortadoğu ve kürtprablemi*, Istanbul: seçil ofset yayınlıkı
- فتحعلی، محمد (۱۳۹۱)؛ علل گرایش جوانان کرد به پژاک و تأثیر آن بر امنیت استان آذربایجان غربی؛ پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد رشته مطالعات دفاعی استراتژیک، پژوهشکده عالی جنگ و علوم دفاعی.
- حسینی، حسین (۱۳۹۰)؛ ارتباط اقناعی: از آموزه های عملی تا یافته های علمی؛ تهران، دانشگاه جامع امام حسین (ع).
- Keskin, Arif (2007) *PJAK: PKK nin bolgadaki yeni misyon arayisi*.
- کریمیان، روح الله و دیگران (۱۳۹۳)؛ بررسی عملکرد سپاه شهدای آذربایجان غربی در مقابله با گروهک پژاک؛ فصلنامه مدیریت و پژوهش های دفاعی دانشکده و پژوهشکده دفاعی (دافوس)، سال سیزدهم، شماره، هفتاد و پنجم، بهار و تابستان.
- Gunter, Michael M. (1997): *The Kurds and the Future of Turkey* Publisher: Palgrave, Macmillan.
- منتظری، سیدهادی (۱۳۹۶)؛ نگاهی بر حقوق زنان از منظر حقوق بین الملل «مطالعه موردی کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان»؛ فصلنامه مطالعاتی صیانت از حقوق زنان، سال سوم پاییز، شماره نهم.
- توحیدی، احمد رضا (۱۳۹۱)؛ تحول حقوق زنان و خانواده در اسناد بین المللی، منطبقه ای و حقوق ملی؛ فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، دوره پانزدهم، شماره پنجاه هفتم.

14. Jean-Marie Henckaerts, Louise Doswald-Beck, Carolin Alvermann, Knut Dormann, and Baptiste Rolle (2009) Customary International Humanitarian Law-international committee of the Red Cross. Cambridge University Press-
15. ICC (2002) Statute of the International Criminal Court. Available in <https://www.icc->
۱۶. موسی زاده ، رضا و حمایت از زنان قربانی ترور در حقوق بین الملل: در پرتو مفهوم نظم اجتماعی و بین المللی؛ دو فصلنامه دیگران (۱۳۹۵)؛ مطالعات زنان و خانواده، دوره چهارم ، شماره اول ، پیاپی، صص ۱۱۳-۱۱۸
۱۷. موسوی فرد، سیدمحمد رضا و دیگران (۱۳۹۵)؛ مسئولیت کیفری بین المللی ناشی از حمایت از تروریسم با تأکید بر مسئولیت مقامات عالیرتبه سیاسی؛ فصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم شناسی دانشکده حقوق دانشگاه تهران، دوره سوم ، شماره دوم ، پاییز و زمستان، پیاپی هفتم.
18. UN Human Rights (2012) General Comment-Committee against Torture
19. <https://www.javanonline.ir/fa/news/448072>